



حجة الاسلام والمسلمین
موسوی خوئینی ها

در آستانه چهارمین سالگرد انقلاب اسلامی

دستاوردهای انقلاب اسلامی

- ۹- آمادگی جامعه برای زندگی براساس اصولیترین شیوه‌های منطبق بر فطرت انسان
- ۱۰- حفظ ذخائر زیرزمینی از جمله نفت از تاراج و نابودی.
- ۱۱- شکوفایی استعداد های داخلی در تمامی زمینه‌ها و بی‌نیاز شدن از متخصصین خارجی.
- ۱۲- تنفر عمومی از زندگی اشرافی و تجملی و تنفر از مترفین.
- ۱۳- محکوم بودن معیارهای نظامات و ارزشهای طاغوتی.
- ۱۴- اعطای پستهای اداری و منصبها بر اساس ارزشهای مکتبی.
- ۱۵- پذیرفتن پستها و مناصب حکومتی بعنوان یک تکلیف شرعی.
- ۱۶- پیدایش یک قدرت سیاسی مستقل از شرق و غرب در صحنه سیاسی جهان.
- ۱۷- افشای و حذف بسیاری از جریانهای

آلوده امروز را تولید میدهد، و برای رسیدن به آن آینده سراسر نور، پاکی، ایشار، برادری، انساندوستی، علم منهای به بند کشیدن انسانها و آزادی انسان برای بندگی در برابر حقیقت مطلق رهنمودهایی نیز ارائه میدهد. و اینک به بعضی از آن دست آوردها اشاره می‌شود:

- ۱- وحدت.
- ۲- حضور مردم در صحنه.
- ۳- خشم و کینه ملت نسبت به خطرناکترین دشمن انسان معاصر یعنی آمریکا.
- ۴- تجربه فنی مبارزه با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا.
- ۵- تمایل عمومی به خودکفایی اقتصادی و تلاش در این راه.
- ۶- پالایش جامعه از آلودگیهای اخلاقی.
- ۷- ایثارگری و وجود حسن تعاون.
- ۸- رشد قدرت نظامی نیروهای مسلح.

دربست و دوم بهمن ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هفت هجری در ایران حادثهای رخ داد که در دنیای معاصر، تمامی معادلات حاکمان مسلط جهان را بهم ریخت و برای انسان مستضعف زمان ره آوردهائی تاریخ ساز بهارمغان آورد. پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری فرزندان صالح ابراهیم بانه بر ارزشهای والای الهی افضیای جدیدی را به فرزندان آدم ارائه داد. آدمیائی که بردگان اسارت نظامهای متعفن شیطنی زمانند و برخی برای نجات از این لجنزارها به نظامهای خشن و بی‌روح الحادی پناه برده و می‌برند و اکنون در برابر پدیده‌های الهی و انقلابی اسلامی و امتی خداجوی و رهبری پیامبرگونه قرار دارند که با دست آورد های زیر آبندهای کاملاً متفاوت با دنیای

انحرافی و وابسته و یا متمایل به بیگانه.

۱۸ - اجتماعات عظیم عبادی - سیاسی مانند نماز جمعه.

۱۹ - پذیرش ولایت فقیه بعنوان اصل - ترین محور حاکمیت.

۲۰ - ارائه شیوه‌های نواز مبارزات مردمی و تاکتیکی‌های آن به نیروهای انقلابی معاصر. اکنون به بحث پیرامون هریک از این دستاوردها می‌پردازیم:

وحدت

اگر نگاهی به گذشته بیندازیم وحدت‌های شکننده رژیم شاهنشاهی را ملاحظه کنیم، بهتر و بیشتر به ژرفای این دستاوردها انقلابی خواهیم برد. در رژیم گذشته اختلافات زیر وجود داشت:

۱ - اختلاف (جدائی) در رهبری دینی و رهبری سیاسی و اداری کشور.

۲ - اختلاف (جدائی) بین دولت و مردم

۳ - اختلاف (جدائی) در معیارها و ضوابط حاکم بردستگاه سیاسی و اداره‌کننده کشور و معیارها و ارزشهای مورد قبول توده‌های ملیونی.

۴ - اختلاف (جدائی) بین روحانی و دانشگاهی و یافیضیه و دانشگاه.

۵ - اختلاف (جدائی) بین فعالیت‌های تامین کننده امور مادی و زندگی و تلاش‌های مذهبی جهت تامین سعادت اخروی.

۶ - اختلاف (جدائی) بین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) و اقشار و نیروهای اصلی جامعه.

۷ - اختلاف (جدائی) دین و سیاست و دنیا و آخرت و دها اختلاف دیگر که بسیاری از این جدائیها هریک به تنهایی میتواند زمینه شکست یک حکومت و سقوط یک ملت و اسارت آن در دست قدرتهای استعماری را فراهم آورد همانطور که دیدیم، ولی انقلاب، این اختلافات برخاسته از شرک پنهان و گاهی آشکار را نابود کرد و امروز ملت ایران از نعمت وحدت در رهبری بر خوردار است یعنی همان شخصیتی که تبیین

کننده اسلام است و فتوی به حلال و حرام میدهد و از این رهگذر در عمق وجدان فرد فرد جامعه نفوذ دارد، همان شخصیت در مسائل سیاسی و اداره کشور تصمیم گیرنده نهائی است در گذشته مقام مرجعیت در دین از مردم میخواست به راهی برون‌دو شاه با تکیه بر قدرت سرنیزه جامعه را به راهی دیگر میکشاند، و در نتیجه جامعه نه در امر دین به آرمانهای اصولی اسلام میرسد و نه در امر دنیا به موفقیت دست مییافت ولیکن امروز چنین نیست، بلکه در سایه این وحدت در همه ابعاد زندگی یک رهبری به ملت فرمان میدهد و همه نیروها را در یک جهت به حرکت درمی‌آورد، و این وحدت مانع از اصطکاک نیروها و کم شدن از کار آئی آنها است. و آثار دیگر بسیار مبارک این وحدت که ملت ما امروز مشاهده می‌کنند. در رژیم گذشته دولتها هیچگونه پیوندی میان خود و ملت احساس نمی‌کردند و ملت نیز هیچگونه مسئولیتی در جهت حمایت از دولت احساس نمی‌کرد تا آنجا که برای بسیاری از اقشار جامعه، مخالفت با دولت و کارشکنی در برابر آن یک ارزش قابل افتخار بود و در نتیجه این جدائی و اختلاف دولتها خود را شنیدند محتاج به حمایت یک قدرت خارجی میدیدند و این خود آغاز یک فاجعه بود یعنی فاجعه وابستگی دولت به قدرت استعماری بیگانه که حاضر بود بقیامت فدا کردن تمامی مصالح ملت در برابر منافع بیگانه، حکومت خود را مستقر نماید و دولتها در اثر همین جدائی از ملت بجای آنکه خود را در برابر ملت مسئول بدانند، ناگزیر در برابر قدرت مسلط بیگانه و حمایتگر مشمول میدانستند ولیکن انقلاب، این اختلاف را نیز از بین برد و وحدت ملت و دولت را به ارمغان آورد دولت متحد با ملت هرگز در برابر قدرت خارجی، ضعف و سستی احساس نمی‌کند. دولت متحد با ملت فشارهای سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و حتی نظامی دشمن را در کمال قدرت تحمل نموده و در برابرش مقاومت میکند و آنرا پشت سر میگذارد و دولتی

که متحد با ملت است توطئه‌های دشمنان داخلی را نیز با موفقیت خنثی میکند دولت متحد با ملت در برنامه‌ریزیهای اقتصادی بنفع اقشار محروم از قارونهای زمان و حامیان آنان نمی‌هراسد، دولت متحد با ملت هیچگاه از اظهار نظر و رای مردم نگران نیست و در کمتر از چهار سال بیش از نهار مردم را به پای صندوقهای رای دعوت میکند و مردم نیز در کمال صمیمیت به او پاسخ مثبت می‌دهند و ملت متحد با دولت نیز همچون مادر مهربان فرزندان خود را مراقبت و حراست میکند ملت متحد با دولت در هر مشکل لاینحلی که برای دولت بوجود می‌آید با یک بسیج عمومی مشکل را در کمال برد باری حل میکند و آثار سازنده دیگر این اتحاد که همگی در دوران پرتلاطم این انقلاب تا امروز مشاهده شده است.

در رژیم گذشته توده‌های وسیع جامعه به دلیل گرایش عمیق فطری و تاریخی به اسلام مایل بودند روابط خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و... خود را بر اساس قوانین اسلام تنظیم کنند و مجموعه این قوانین در عمق ایمان آنان مقبولترین نظام ممکن بود و ارزشهای مبتنی بر این نظام و معیارهای آن مورد احترام و پذیرش توده‌ها بود ولیکن در دستگاه سیاسی و رهبری کشور، نظام ارزشی مبتنی بر سرمایه‌داری غربی و معیارهای آن مورد احترام و قبول بود، در این بود که همه پیوندها و روابط فیما بین خود را چه خانوادگی و چه در سطح روابطی عامتر، با الگوهای غربی و آمریکائی منطبق نمایند، لهذا؛ در شکل زندگی و در نوع آرمانها بگونه‌ای ساخته می‌شدند که کاملاً خود را با جامعه، بیگانه می‌یافتند ولیکن

امروز این اختلاف کاملا از میان رفته است و تمامی مدیران و مسئولان جامعه و بطور کلی مجموعه دستگاه سیاسی و اداری و رهبری کشور با ملت از یک فرهنگ و از یک نظام ارزشی تغذیه میشوند. در زندگی فردی و اجتماعی آحاد ملت و هم مسئولان کشور و تمامی اعضا حاکمیت یک فضا و یک آهنگ و یک شکل همگون و متناسب جریان دارد و زندگی در هر دو جا یکنواخت مترنم است.

در رژیم گذشته، روحانیون - یعنی مرز - داران اصیلترین و اصیلترین ارزشهای جاودانه انسان - فرسنگها از قشر دانشگاهی - یعنی پاسداران محیط زیست بشری - جدا بودند. روحانیون سخت در پی تصویر انسان الهی بر سطح دریا بودند و دانشگاهیان برای زندگی مردگان متحرک، سخت دست و پا میزدند، هر کدام دیگری را خطئه میکردند و از قدرت خلاقه هم بیخبر بودند! و دشمنان در این میان هم دین بریده از دنیا میساختند و هم دنیای بیدین که هر دو در خدمت آنان بود، ولیکن انقلاب در گورن مبارزه این دو قشر بریده از هم و قربانی در مسلخ طاغوت را به هم آشنا ساخت و با هم متحدشان کرد که امروز روحانی و دانشگاهی این دو نیروی متفکر جامعه هر یک به آسانی در فضای زندگی دیگری تنفس میکنند و قدرت خلاقه خود و بیگانه دیروز و آشنای امروز را مضاعف میسازد که امت اسلام بخواست خدای تعالی در آینده، میوههای شیرین و بابرکت این وحدت مقدس را خواهد چید.

در رژیم گذشته مردم مسلمان ناگزیر بودند پس از کار طاقت فرسا در ساعات اصلی شبانه روز، دقایقی و با ساعتی هم برای تأمین آخرت به کارهای به اصطلاح دینی و مذهبی بپردازند بطوریکه انسان

گرفتار در فعالیتهای اصلی زندگی با آخرت را فراموش میکرد و یا چنانچه ضمیر خدای - جوی وی همچنان بیدار بود، باید جدای از زندگی و تلاش برای تأمین مسائل مادی، زمینههای فعالیت در امور مذهبی پیدا کند ولی امروز به یمن انقلاب، همه تلاشهای زندگی، هم دنیا است و هم آخرت: کشاورزی، کارگری در کارخانه، کار در اداره، در مدرسه در دانشگاه، در بازار، در ارتش، در جبهه در پشت جبهه و در هر جا که ارتباطی با انقلاب دارد و در جهت خدمت به مردم و به انقلاب است هم دنیا است و هم آخرت است و همه در جهت رضای خدای تبارک و تعالی است، و این وحدت هم بکارهای دنیائی و زندگی مادی، روح معنویست و آخرت میدهد که محصول و نتیجه آن کارها چند برابر میکند و هم به کارهای معنوی و اخروی مفهوم زندگی میدهد که آخرت را در ارتباط با دنیا و خدمت به بندگانش خدا میسازد.

در رژیم گذشته نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) جدای از مردم بود نیروهای مسلح که باید بازوی توانائی برای ملت در جهت دفاع از کبان ملت و جان و مال و شرف آن باشد، تیغ کشیدههای بعرو ملت بود، از دشمنان مردم حمایت میکرد و مردم را در برابر دشمنان سرکوب می نمود، از ملت بود و در میان ملت ولی بیگانه از مردم و بیگانگان همسنگر ولیکن انقلاب، این جدائی خطرناک را به وحدت تبدیل کرد، ملت در کنار نیروهای مسلح احساس آرامش میکند و این نیروها در کنار ملت احساس قدرتمندی، نیروهای مسلحی که جدای از مردم حتی یک روز نتوانستند در برابر هجوم بیگانه مقاومت کنند، از برکت انقلاب و وحدت با ملت امروز میتوانند سالها در برابر وسیعترین تهاجم دشمنان متحد، مردانه بایستند و بعنوان نیروهای مسلح الگو در صحنه نظامی جهان بدرخشند که از برکت این وحدت و قدرت برخاسته از آن دشمنان کمتر خیال تجاوز بچنین ملتی

را با داشتن چنین نیروهای مسلح در سر می پروراند.

در رژیم گذشته، جدائی دین از سیاست بعنوان یک اصل پذیرفته شده و مسلم به افکار جامعه و مخصوصا اقتدار متدین تحمیل و پذیرفته شد که شاید از بزرگترین فاجعه های تاریخ اسلام بشمار می رود و شاید همین جدائی دین از سیاست بود که جدائی در رهبری دینی و سیاسی را نیز بدنبال آورد و جدائی روحانی و دانشگاهی و بسیاری از جدائیهای یاد شده و نشده، و این انقلاب همه این تارهای عنکبوتی تنیده به اذهان عامه و بلکه بسیاری از خواص را پاره کرد و نشان داد که اصولا دین و سیاست را دو مقوله نیست و دین بریده از سیاست خود نوعی سیاست است و سیاستهای جدای از دین خود نوعی دین است و هر دو غیر از اسلام و غیر از ادیان الهی در طول تاریخ است، و در تاریخ پیامبران الهی سیاست و دیانت یک عمل بوده است و عبادت قیام و حرکت هر یک از انبیا، یک اقدام سیاسی بود عبادت و فعالیتهای سیاسی آنان نیز ارائه دین و روش و شیوه صحیح زندگی، از برکت این وحدت مقدس است که جامعه اسلامی ما از وحدت رهبری برخوردار است از این وحدت، میدانهای فعالیت دنیا و آخرت یکی شده است، دولت با مردم در بر توان وحدت مقدس متحد شده اند، نیروهای مسلح با ملت متحد شده اند، روحانی و دانشگاهی به وحدت رسیده اند، پدران و مادران - یعنی نسل دیروز - فرزندان - یعنی نسل امروز - در میدان اندیشه و عمل به وحدت رسیده اند، جبههها و سنگرها را ببینید، به جهادگران در دل روستاها و اعماق صحراها نگاه کنید به کلاسهای نبض سواد آموزی نظری ببیند از پدیده در دیوار روزمین و آسمان این دیار افتاده در کوره انقلاب دقت کنید، همه جا جلوه های این پرتو الهی یعنی وحدت بچشم می خورد و این نور وحدت آینده بسیار درخشانی را نوید میدهد.

ادامه دارد